



نوشته از ثلثنپوه حیات الله حیات

## آشنایی با حقوق بشری نیاز موجود جامعه ماست!

این عنوان را به منظور درک از نیاز های جامعه ما انتخاب نمودم. گرچه پیرامون آن در طول عمر بشریحت ها انجام و کتاب ها بر آن نوشته شده اما باور دارم که برای اکثریت مردم ما اصول مهم حقوق بشری هنوز هم ناشناخته باقی مانده و در جامعه ما شناخت آن نهادینه نشده است و مستلزم آنست که بر ابعاد مختلف آن بحث صورت گرفته و بر آگاهی های عامه در این مقطع زمانی که معیار ها و ارزشهای انسانی به شدت نادیده گرفته میشود تمرکز بیشتر انجام یابد.

مطمینا حقوقدانان و اندیشمندان ارزشهای بشری معیار های حقوقی بر این باور اند که اکثریت اصول حقوق بشری که رعایت و در نظر داشت آن در جامعه انسانی در میثاقهای بین المللی ذکر گردیده است قبل بر آن در دین اسلام پایه گذاری گردیده و قران بران تاکید دارد حال سوال اینجاست که تا چه حد این حقوق در جامعه ما ناشناخته باقی مانده است؟ در این یادداشت کوتاه سعی بر آنست تا با تذکر به رسالت حقوقدانان در تنویر اذهان عامه و آگاهی مردم از حقوق بشری، روی دلایل ناشناخته باقی ماندن این حقوق نزد اکثریت جامعه بحث صورت گیرد تا پاسخ سوال خود را دریابیم.

درست جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹\_ ۱۹۴۵) که منتج به کشتن تباهی بیشتر از پنجاه میلیون انسان گردید، زمینه تفکر و ایجاد و شناخت حق طبیعی و بشری را مطرح آن روزگار ساخت کشتار یهودی ها توسط نازی های آلمان، تراژیدی بود که به پایان رسید ولی هورگه در مقاسیه کوتاه و اجمالی به وضعیت فعلی مردم کشور ما نظر اندازی گردد آیا یکنیم قرن بعد آن که اوج شناسایی و به کرسی نشستن حقوق انسانی در قوانین بین المللی و رعایت آن در قوانین داخلی کشور های جهان است ایا نقض صریح حقوق بشری که امروزه بشدت جریان دارد یک عقب گرد فاجعه آمیز به خودکامه گی و بربریت نیست؟ درین قرن تمدن و یک کتله شدن جامعه بشری، ایا میشود که بگوییم آنچه را که دران سالهای قبل در جهان واقع شده بود ما ندیده ایم و نشینده ایم که حالا یک قشر بزرگ جامعه بشری بنام زن از صفحه زنده گی حذف می گردد. ایا حق سفر و کار و حق تحصیل منحیث انسان برای شان مسجل نگردیده است؟ زنان برای مستفید شدن از حقوق انسانی خود تا چه وقت بها بپردازند و از جان مایه بگذرانند تا به حداقل یک حق انسانی اش برسد و هوگه حقی برایشان برسمیت شناخته شود مدیون احسان کی ها باشند؟

نیاز جامعه ما درین شرایط به حدیست که با شناخت و تفکیک و نهادینه شدن این حق مردم میدانند که در کدام یک از مرحله زنده گی قرار دارند و کدام حقوق شان نقض و یا پایمال گردیده و کدام حقوق را بدست بیاورند که خود زمینه رشد و اهنگ ترقی را در حوکت میاورد . مردم حق دارند تا بدانند که کدام حقوقی را طبیعتا درا هستند و کدام حقوق اکتسابی ست که ممنون و مرهون لطف نهادی و سزمانی بنام دولت باشند . کدام حقوق است که خداوند متعال برای شان به ودیعه گذاشته و کدام حقوق است که لآن انها بوده و فطرتا مالک و صاحب آن استند و مرهون لطف کسی نیستند که این حق را برایشان ارزانی نموده ست.

مردم حق دارند بدانند که این حقوق برای همه مردم یک سان بوده و همه حق دارند لزان یک سان استفاده بپند وک این مطلب برای مردم ما برای جامعه ما خیلی مهم و حتا درخور تامل ست که حقی وجود دارد بربنای فطرت بر اساس طبیعت خدا داد بشری که ما لزان باید لزادانه استفاده کنیم و کسی باید مانع برای استفاده لزان نشود . وک این مطلب که حقوق خداداد بشری برای همه ست وک این حق دیگر نیاز های آز جویانه برای یک طبقه و یک شخص را از بین میبرد.

مردم حق دارند زنده گی فرغ از خشونت و جنگ را انتخاب کنند . زنده گی آرام داشته و نباید برای زنده گی کردن شکنجه را متحمل شوند زجر روانی را روزانه ببندد . و در قفس تنگ نغمه خوانی کنند و برای انتخاب زنده گی شان گروهی بیاید و خط و مرز قرمز بکشد وانگاه از طریق رسانه ها جهزده شود که ما برای مردم حق زنده گی کردن را داده ایم و حق دارند تا در امنیت زنده گی کنند . سالهاست مردم ما برای تامین منافع یک فرد ، یک حزب و یک گروه میمیرند و کشته میشوند از ناگزیری های شان استفاده سو می شود . بیان و وک و تشریح این همه مصایب که سالهاست بر زنده گی مردم سایه فلاکت و مصیبت گسترانیده و دیدن خشونت های رنگرنگ بر زنان که حالا یک امر عادی تلقی میگردد اثرات ناگوار بر روان بجا میگذارد.

چه میتوان تصور کرد که اعاده حق مراقبت از صحت خود ما و خانواده ما را باید کسی دیگر انجام بدهد یا خداوند ان حق را بما ارزانی داشته تا از صحت خود ، خود ما مراقبت کنیم و هوگاه مریض شدیم به مداوا بپردازیم در اعاده این حق مرهون کی ها باید بود اگر حقی را از زن حذف میکنند بر ان بر چسپ دین و مذهب میزنند و یا انرا مخالف هنجار های عرفی جامعه عنوان میکنند عرف ناهنجار که در واقع محروم گردانیدن زنان از حق بشری و فطری شان است.

آیا به خاطر جنسیت تان به خاطر رنگ و پوست تان به خاطر صورت تان به خاطر زبان تان مکانی برای تحمل شکنجه درین قرن بیست و یک و قرن تحول و آگاهی وجود دارد ایا میشود بالای این مبحث کتاب ها نوشت و تحلیل ها کرد از شکنجه گاه ها عکس گرفت و فلم های مستند را تهیه کرد که در کشور ما عملا چنین نقض حقوق طبیعی و بشری جاری است و یا اصلا کس نمیداند که داشتن چنین تصور و تفکر بدوی و غیر انسانی نه تنها جرم است بلکه گناه عظیم بشمار میرود.

مردم حق دارند تا برای خود غذا لباس و مسکن تهیه کنند . مگر ندیدیم که برای تهیه غذا از حق بیرون برآمدن و کار کردن محروم گردیده و نتوانسته ایم تا برای خود این حق را حفظ کنیم.

حق بیان و لزادی بیان را چگونه جامه عمل بپوشانیم که وکس حق دارد تا را و نظریات خود را بیان کند و سانسور حق بیان را از بین ببریم . حقوقدانان میتوانند برای حفظ نظم اجتماعی و حفظ شیرازه اجتماع و جلوگیری از تجاوز برحق غیر ، خطی برای این لزادی داشته باشند . که این خود حقیست موضوعی ، باید برای استفاده لزان چنین کاری انجام شود . زیرا منظور تامین عدالت و رفاهیت اجتماعی ست و زنده گی در اوج از انسانیت بسر بردن است . که کسی نباید زیر عنوان لزادی بیان به حق او دست ببرد و تجاوز کند حدود و ثغور آن باید توسط حقوقدانان مشخص شود تا لزان به طریقه و نحوه درست آن استفاده شود.

جوانان ما روی کدام دلایل از حق زدواج محروم باید شوند کدام علل و دلایل در جامعه مسلط است که استفاده ازین حق را ناممکن ساخته است حقوقدانان ما باید درین راستا و شناخت این علل کار های انجام بدهند رسالت خود را انجام بدهند رهنمود های قبول شده و عالی باید لایه بدهند و علیه این مشکل حاد در جامعه که حساسیت های مهمی را هم در قبال دلد استولانه کار نمایند.

مردم حق دارند تا به هر مذهب که قابل قبول و زمینه ساز برای عبادات شان باشد رو بیاورند درین اواخر ما شاهد کشتار زیاد از کسانی استیم که به مذاهب مختلف غیر مذهب ما گرویده بودند ایا قبول یک مذهب میتواند منتج به کشته شدن و سلب زنده گی ما گردد موضوع دین و گرایش های دینی یک بحث مهم وقابل توجه ست اما منحیث یک حق بشری شناخته شده است.

سایر حقوق بشری مانند مهاجرت و پناهنده گی حق تحصیل و آموزش علم و سایر حقوقی بشری که در اسناد ملل متحد و سایر کنوانسیون های بین المللی تسجیل گردیده است.

**نکته کلیدی بحث من همین جا است که:**

آیا مردم ما حق دارند تا ازین حقوق حقه و طبیعی و خدا داد شان استفاده ببرند؟ آیا این حقوق مستلزم منت کشیدن از کسی است؟ از گروهی است؟ از حزبی است؟ از صاحب نفوذی است؟ از کیست؟ آیا این حقوق حقه برای همه ثابت است؟ باید برای آن کار صورت بگیرد تا دلایل محرومیت از آن را همه بدانند؟

این کار مبتنی بر روشنگری باشد و بر اساس وک از حقایق جامعه ما باشد . من ضرورتش را میبینم. همه حقوقدانان در هر بخش ازین حقوق بشری یاد کنند و باید کار های سلزنده و روشنگرایانه را انجام بدهند . زمان سکوت و خاموشی نیست زمان کار برای تأمین عدالت در جامعه ماست. برای حصول و نهادینه شده و وک مردم از حقوق بشری خداداد شان است و زمان برای آگاهی مردم از شیوه و نحوه استفاده ازین حق شان است . مردم ما نباید اسیر بی خیری های باشند که آگاهی دادن شان در دسترس ما قرار داشته است.

سپتمبر ۲۰۲۳  
خرنپوه ح. حیات